جلسه 33-659

**یک‌شنبه - 01/09/94[[1]](#footnote-1)**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

راجع به این مسأله که آیا بین صوم ثلاثة ایام وصوم سبعة ایام بعد از رجوع به بلد، مکلف تفریق کند، یا تتابع کند؟، عرض کردیم در صحیحه علی بن جعفر دارد، لایجمع بین الثلاثة والسبعة، ولکن در دو روایت دیگر دارد اذا رجع الی بلده یصوم عشرة ایام که در صحیحه معاویه بن عمار هست، ودر روایت فضل واسطی هست که یصوم عشرة ایام متتابعات، آقای خوئی فرمود این دو روایت یصوم عشرة ایام یا یصوم عشرة ایام متتابعات اطلاق دارد نسبت به این که بین سه روز وهفت روز تتابع باشد، صحیحه علی بن جعفر اخص مطلق است از این دو روایت، میگوید لایجمع بین الثلاثة والسبعة، تخصیص میزنیم این دو روایت را ،میگوئیم بین سه روزه وهفت روزه اتصال برقرار نشود، یک روزی لااقل فاصله بیافتد.

اشکالی که به مرحوم آقای خوئی این است که گفته میشود این دو روایت صحیحه معاویه بن عمار وروایت واسطی، موضوعش من لم یقم علیه جمّاله فرجع الی بلده هست، اما موضوع صحیحه علی بن جعفر مطلق است، اعم از این است که در شهر خودش روزه بگیرد این سه روز واین هفت روز را ویا در مکه این سه روز را روزه نگرفته تا زمانی که هم وطنهاش برگشتن به وطنشان، مثلا هشت روز تا مدینه فاصله است از مکه، هم وطنهایش که اهل مدینه هست هشت روز بعد به مدینه رسیدند واین آقا فعلا میخواهد در مکه بماند ،اطلاق صحیحه علی بن جعفر این فرد را میگیرد، که میخواهی این سه روز وهفت روز را روزه بگیری در مکه لایجمع بین الثلاثة والسبعة.

پس این طور نیست که نسبت عموم وخصوص مطلق باشد بین صحیحه علی بن جعفر وصحیحه معاویه بن عمار وروایت واسطی، بلکه نسبت عموم وخصوص من وجه است چون از یک طرف اطلاق صحیحه معاویه بن عمار واطلاق روایت واسطی اقتضا میکند که تفریق لازم نیست بین صوم ثلاثه وصوم سبعه که صحیحه علی بن جعفر میگوید تفریق لازم است از این حیث صحیحه علی بن جعفر اخص است، ولی از این حیث که صحیحه علی بن جعفر اعم است از کسی که رجوع به بلدش کرد یا مقیم در مکه شد، از این حیث صحیحه علی بن جعفر اعم است، آن وقت اشکال میشود به آقای خوئی که طبق مسلکتان که در مباحثی مطرح کردید که ملاک در جمع عرفی ابتداء این است که ببنیم کدام یک از دو خطاب موضوع رئیسی آن اخص است، خوب موضوع رئیسی صحیحه معاویه بن عمار وروایت واسطی اخص است، من لم یقم علیه اصحابه ولایستطیع المقام، موضوع اخص است، صام فی بلده عشرة ایام، ویا در روایت واسطی هست عشرة ایام متتابعات.

واگر شما بگوئید ما به مجموع قیود خطاب باید نگاه کنیم نه صرف موضوع رئیسی، که نظر صحیح همین است ،ولذا ما در مثال لاتطعم احدا، اکرم العالم، گفتیم درست که موضوع رئیسی عالم است وعالم اخص مطلق است از احدا، اما این جا عرفی نیست که بگوئیم لاتطعم احدا الا العالم فانه یجب اکرامه مطلقا، سواء بنحو الاطعام او بغیر الاطعام، نه، این را ما قبول نداریم، ما میگوئیم اکرم العالم هم محمولش به اطلاقه میگوید اطعام عالم مصداق اکرام است، والا نص در امر به اطعام عالم که نیست، از یک حیث لاتطعم احدا اعم است از عالم وغیر عالم، واز یک حیث اکرم العالم اکرامش اعم است از اطعام وغیر اطعام، تعارض این دو خطاب ناشی است از اطلاق هر دو، لاتطعم احدا اطلاقش شامل عالم میشود واکرم العالم هم اطلاقش شامل اطعام عالم میشود، در مورد اطعام عالم لاتطعم احدا باطلاقه میگوید جائز نیست اطعام عالم چون مصداق لاتطعم احدا هست، واکرم العالم باطلاقه میگوید اطعام عالم جائز است، تعارض ناشی است از اطلاق دو خطاب.

ما به نظرمان این درست است ودر مانحن فیه هم گفته میشود بین اطلاق صحیحه علی بن جعفر واین دو روایت است، چون اگر چه موضوع رئیسی این دو روایت اخص است من لم یقم علیه اصحابه ولم یستطع المقام، ولکن اطلاق صام عشرة ایام واطلاق صام عشرة ایام متتابعات میگوید تفریق بین سه روز وهفت روز لازم نیست، این تعارض میکند با اطلاق صحیحه علی بن جعفر، که میگوید تفریق بین سه روز وهفت روز لازم است، چه بر کسی که مقیم به مکه بشود وچه بر کسی که رجوع به بلدش کند، تعارض بین این دو خطاب ناشی از اطلاق است، طبق این بیان در مورد اجتماع که من رجع الی بلده هست ومیخواهد بین سه روز وهفت روز تفریق نکند، پشت سر هم بگیرد اطلاق صحیحه علی بن جعفر میگوید این کار درست نیست لایجمع بین الثلاثة والسبعة، اطلاقش شامل من رجع الی بلده میشود، اطلاق صحیحه معاویه بن عمار وروایت فضل واسطی میگوید تفریق لازم نیست، وتتابع بین سه روز وهفت روز هم مجزی است.

والحاصل اشکال به آقای خوئی این است که طبق نظر شما که موضوع رئیسی مهم است در نسبت سنجی موضوعات، روایت فضل هاشمی وصحیحه معاویه بن عمار اخص موضوعی است از صحیحه علی بن جعفر، وتخصیص میزند صحیحه علی بن جعفر را به کسی که مقیم به مکه بشود، او نباید بین سه روز وهفت روز جمع کند، واگر قائل بشویم به این که نسبت سنجی بین خطابات با ملاحظه قیود محمول هم هست، در مورد اجتماع که رجع الی بلده ومیخواهد سه روز وهفت روز را پشت سر هم روزه بگیرد، تعارض میکنند این خطابها ورجوع میکنیم به اصل برائت از مانعیت جمع بین سه روز وهفت روز، این اشکالی است که ممکن است گرفته بشود.

ولی به نظر ما این اشکال وارد نیست، برای این که حمل صحیحه علی بن جعفر بر خصوص کسی که مقیم در مکه است، که باید برای روزه هفت روز صبر کند، تا هم کاروانهاش به وطن خودشان برسند، وبعد روزه هفت روز را بگیرد، یا صبر کند یک ماه بگذرد از زمان رجوع هم وطنهایشان وخروجشان از مکه، یک ماه بگذرد میشود ماه محرم وصوم ثلاثه ایام فی الحج از بین میرود، پس باید فرض کنیم وطنشان نزدیک است ومتوجه بشود این آقایی که مقیم به مکه شده است که قبل از رسیدن محرم دوستانم به وطن رسیدم، لابد وطنشان هم باید مدینه وطائف وامثال اینها باید باشد، انصافا این جور حمل عرفی نیست.

صحیحه علی بن جعفر که میگوید یصوم الثلاثة لایفرّق بینها ویصوم السبعة لایفرّق بینها، ولایجمع بین الثلاثة والسبعة را ما این را حمل کنیم بر کسی که مقیم به مکه است بعد از اعمال حج، آن سه روز را هم روزه نگرفته، چرا روزه نگرفته؟ تأخیر انداخته، گفته حالا که من مقیم به مکه هستم بعدا روزه میگیرم، به این بگوئیم این سه روز را با آن هفت روز جمع نکن، هفت روزی که نمیتواند فورا انجام بدهد، باید صبر کند گمان پیدا کند هم وطنهاش به شهرشان رسیده اند، این حمل عرفی نیست.

روایاتی داشتیم که حتی یمضي شهر او یظن ان اصحابه رجعوا الی بلدهم، طبعا یک ماه صبر کند ماه ذی الحجه میگذرد وبه درد صوم ثلاثه ایام فی الحج نمیخورد که باید در ذی الحجه باشد، پس باید بگوئیم وطنش نزدیک باشد وگمان بکند اصحابش به وطنشان رسیدند در حالی که هنوز ماه ذی الحجه تمام نشده میتواند این سه روز را روزه بگیرد قبل از انقضاء ماه ذی الحجه، به این آقا بگوئیم شما مواظب باش این سه روز که زودتر هم روزه میگیرد، مهم آن هفت روز است که باید بعد از ظن مراجعه اصحابش به وطن روزه بگیرد، هفت روز را آن موقع روزه میگیرد واین سه روز را هم که روزه میگیرد، بهش میگویند مواظب باش این سه روز را متصل به آن هفت روز نکنی، حمل کنیم بر این مورد، این عرفی نیست.

البته وقتی هم وطن هایش به وطن رسیدند هفت روز را روزه میگیرد، وباید فرض کنید هنوز وقت برای سه روز روزه هست که بهش سفارش میکنید مواظب باش سه روز را با آن هفت روز نچسبانی، این حمل بر فرد نادر نیست؟ در مکه مانده وسه روز را هنوز روزه نگرفته، وموقعی سه روز را روزه میگیرد که بشود متصل شود به آن هفت روز روزه، کی میخواهد هفت روز را روزه بگیرد که این سه روز را میتواند متصل کند به آن هفت روز ولی میگویند متصل نکن، این هفت روز را کی میتوانست روزه بگیرد؟ اذا ظن ان اصحابه رجعوا الی بلده، با این که در مقیم در مکه است این سه روز را آن قدر تأخیر می اندازد تا قابل اتصال باشد به هفت روزی که بعد از رجوع اصحاب به بلدشان میخواهد روزه بگیرد، میگوئیم مواظب باش جمع نکنی اقلا یک روز فاصله بیاندازی، انصافا حمل صحیحه علی بن جعفر بر این مورد عرفی نیست، ومیشود کالنص بالنسبة به کسی که رجع الی بلده میگوید لایجمع بین الثلاثة والسبعة.

ما میتوانیم یک بیان دیگر هم داشته باشیم، وآن این که اصلا صحیحه معاویه بن عمار اطلاق ندارد، میگوید یصوم عشرة ایام فی بلده، شرائط عشرة ایام را که نگفت، شرائط عشرة ایام را در صحیحه علی بن جعفر گفته، که ثلاثة ایام متتابعات سبعة ایام متتابعات ،ولایجمع بین الثلاثة و السبعة، ولذا اصلا اطلاق ندارد صحیحه معاویه بن عمار ،اما روایت واسطی دارد یصوم عشرة ایام متتابعات، ولی سندش ضعیف است، این جواب را هم میتوانیم بدهیم، ولذا حق این است که در بلد هم میخواهد روزه بگیرد حکمش این است که لایجمع بین الثلاثة والسبعة.

مسأله دیگر که آخرین بحث است در این مسأله، این است:

من لم یصم الثلاثة حتی اهلّ هلال محرم سقط الصوم وتعین الهدی للسنة القادمة

فرمودند در مناسک که کسی که این سه روز را روزه نگرفت حتی در وطنش، تا ماه محرم شد، دیگر صوم ثلاثة ایام فی الحج ساقط میشود ،وسبعة اذا رجعتم که همراه بود با ثلاثة ایام فی الحج، عملا صوم بدل الهدی منتفی میشود، ووظیفه اش این است که سال آینده قربانی بکند، حتی اگر عمدا این سه روز را در وطن روزه نگیرد یا در مکه روزه نگیرد ودر وطن هم روزه نگیرد، عمدی باشد سهوی باشد، حجش باطل نیست، تعین علیه الهدی فی السنة القادمة، این مطلب مشهور بین قدماء است ،ادعای اجماع شده بر این، در مدارک میگوید قول علماءنا واکثر العامة.

اما نسبت داده شده در مختلف به شیخ طوسی که فرمودند بعد از انقضاء ماه ذی الحجة باز هم جائز است این شخص روزه بگیرد، ولکن افضل این است که روزه نگیرد وسال آینده قربانی کند، تعین ندارد هدی، طبق این نقل شیخ طوسی، بعد از ماه ذی الحجه اگر روزه نگرفته بود مخیر است بین صوم وبین هدی ،والهدی افضل، این مطلب از شیخ طوسی نقل شده است که در تقریرات مرحوم آقای خوئی هست، ما مراجعه کردیم هم به مختلف وهم کلام شیخ در مبسوط.

آن که در این کتابها هست این است که از قول شیخ نقل میکند: ومن لم یصم الثلاثة ایام بمکة ولا فی الطریق و رجع الی بلده وکان متمکنا من الهدی بعث به، فانه افضل من الصوم، فرمود اگر این سه روز را کسی در مکه روزه نگیرد ودر راه هم روزه نگیرد و بر گردد به وطنش اگر متمکن از قربانی هست قربانی بفرسته مکه، البته سال آینده که ایام هدی حج باشد، فانه افضل من الصوم، بعث الهدی از صوم افضل است، خوب مرحوم شیخ فرض نکرد که این آقا در ماه ذی الحجة روزه نگرفته، رجع الی بلده، ماه ذی حجه تمام شده بود؟ از کجا؟ ندارد که ماه ذی حجه تمام شده است، بله اگر اهل کوفه باشد قاعدتا ماه ذی الحجه تمام میشود، ولی اگر اهل مدینه باشد، اهل طائف باشد اهل یمن باشد (تمام نیست).

شما باید این عبارت را حمل کنید بر کسی که رجع الی بلده ولم یصم فی ذی الحجه تا با این نقلی که از شیخ کردند درست در بیاید، والا اگر شیخ بگوید من فرض نکردم ماه ذی الحجه گذشته است (درست نمیشود).

این عبارت هم در مبسوط است وهم در مختلف: ومن لم یصم الثلاثة الایام بمکة ولا فی الطریق، ندارد ولا فی بلده حتی مضی ذو الحجه، این طور ندارد، اطلاق دارد رجع الی بلده ولو در أثناء ذی الحجه.

علامه در مختلف این طور دارد که وهذا یؤذن ،کلام شیخ مشعر به این است که صوم جائز است ونه واجب، ولیس بجیّد، این حرفی خوبی نیست، لانه ان کان خرج ذو الحجه ،اگر ماه ذی الحجه تمام شده تعین الهدی، هدی واجب است، اصلا صوم مشروع نیست، دیگر صوم ثلاثة ایام فی الحج فوت شده، وکذا اذا لم یخرج، اگر ماه ذی الحجه نگذشته ولی این آقا قبل از این که روزه این سه روز را در وطنش بگیرد گوسفند پیدا کرد، من وجد الهدی قبل شروعه فی الصوم وجب علیه الهدی.

پس شما این که میگوئید که فانه افضل من الصوم درست نیست، علامه در مختلف اشکالش به شیخ این است که چرا میگوئید افضل من الصوم، باید بگوئید لایشرع الصوم، در فرض تمکن از هدی، چون اگر ماه ذی الحجه گذشته وروزه نگرفته که تعین الهدی للسنة القادمة، واگر ماه ذی الحجه نگذشته ومیتواند این سه روز را در وطنش روزه بگیرد ولکن چون واجد هدی شده باید قربانی بکند، روزه مشروع نیست، اشکال علامه در مختلف به این نیست که چرا شما جائز دانستید صوم را، در حالی که بعد از ماه ذی حجه هدی متعین است، ایشان میگوید حتی قبل از ماه ذی حجه هم اگر فرض بشود چون این آقا واجد الهدی شده، باز هم باید میگفتید تعین الهدی، این کلام مرحوم شیخ را دلیل گرفتن برای بحث ما ومرتبط دانستن با بحث ما، یک مقدار مشکل هست.

مرحوم شیخ در مبسوط قبل از این عبارتی که خواندیم عبارتی که دارد این است که فان اهلّ المحرّم استقرّ فی ذمته الدم، این موافق با عرض ما است، که شیخ طوسی معتقد است اگر کسی این سه روز را روزه نگرفت تا ماه محرم شد، مستقر میشود بر ذمه اش که سال آینده قربانی بفرسته مکه، این عبارتی که شیخ دارد قبل از عبارتی که ما نقل کردیم، این عبارت مؤید عرض ما است ،که شیخ در مسأله مخالف نیست،

عبارت فان اهلّ المحرّم استقرّ فی ذمته الدم موافق فرمایش آقای خوئی است، پس این که بعد از این گفته فان لم یصم ثلاثة ایام بمکة... ناظر به مطلب دیگری است، یا ناظر به این است که این شخص قبل از تمام شدن ماه ذی الحجه اگر قربانی پیدا کرد این جا جائز است قربانی، ولی جائز هم هست همین صوم ثلاثة ایام در ذی الحجه را بگیرد، ولی هدی افضل، حالا یا هدی امسال، یا توجیهی که ما میکنیم الهدی افضل ان یبعث به فی سنة قادمة، والا در وطنش که نمیتواند قربانی کند، باید بفرستد به مکه در ایام نحر ،که مربوط میشود به سال آینده، پس نظر شیخ طوسی مخالف نظر مشهور نیست، ولی طبق نسبتی که به شیخ داده شده، کأنه شیخ فرموده است بعد از ماه ذی حجه اگر روزه سه روز را نگرفته بود فرصت هست روزه بگیرد وان کان الهدی افضل، بنا بر این نسبت صحبت میکنیم.

به شیخ مفید هم نسبت داده شده که اگر کسی در ماه ذی الحجه این سه روز را روزه نگرفته تا ماه محرم بشود اگر ناسی بوده یتعین علیه الهدی، ولی اگر ناسی نبوده بعد از هلال ماه محرم هم این سه روز را روزه اش را میگیرد ولو بعد از ماه ذی حجه، ولی اگر ناسی بوده وظیفه اش میشود هدی در سنه قادمه.

این نسبت هم به نظر ما درست نیست، برای این که آنکه ذخیرة المعاد از شیخ مفید نقل میکند عبارتش این است من فاته صومها بمکة، لعائق او نسیان، کسی که این سه روز نتواند در مکه روزه بگیرد به خاطر یک مانعی یا فراموشی، فلیصمها فی الطریق ان شاء وان شاء اذا رجع الی اهله، همین را دارد، صاحب ذخیرة المعاد مرحوم ملاباقر سبزواری فرمایشش این است کلام شیخ مفید مطلق است، ندارد که فی ذی الحجه، میگوید من فاته صومها بمکة لعائق او نسیان فلیصمها فی الطریق این مطلق است چه در ماه ذی الحجه وچه در غیر ماه ذی الحجه.

خوب این هم که درست نیست، برای این که ایشان شرائط صوم را که بیان نکرده، مثل روایاتی که میگوید اگر فوت بشود صوم ثلاثة ایام در مکه، فلیصمها فی الطریق او اذا رجع الی اهله، شرائط زمانی این صوم را که الغاء نمیکند، فقط میگوید شرط مکانی الغاء شد ،لازم نیست در مکه باشد، شرط زمانی را که الغاء نمیکند، شرط زمانی این است صوم ثلاثة ایام فی الحج ای فی ذی الحجه، در روایت این جوری ما میگوئیم شیخ مفید هم مثل روایت بیان کرده است، اگر تصریح میکرد اذا اهل المحرّم میشد بگوئید بعد از ماه ذی الحجه هم حکم این است، ایشان که نگفت، ایشان میخواهد مضمون روایت را بگوید، که من لم یصم فی مکه فلیصمها فی الطریق او فی اهله، اما شرط زمانی این است که در ماه ذی الحجه باشد، این را که نخواسته نادیده بگیرد، مثل این که شرط تتابع هست در صوم ثلاثة ایام، راجع به شرائط این سه روز روزه که نمیخواهد بحث بکند، فقط میخواهد بگوید مکه که فوت شد این شرط مکانی الغاء شد.

وانگهی این که تفصیل بین نسیان وغیر نسیان نداد، بلکه گفت لعائن او نسیان، کجا گفت نسیان وغیر نسیان، پس بحث ما یک بحث ذهنی یعنی بحث تجریدی شد از فتوای فقهاء، یک بحث روائی میخواهیم بکنیم که مرحوم سبزواری در ذخیرة المعاد بحث کرده وآقای خوئی هم این بحث را مطرح میکند، میگوید ما سه طائفه از روایات داریم این ممکن است منشأ این قول بشود، که بگوئیم بین ناسی وغیر ناسی تفصیل بدهیم، یا قول محکی عن الشیخ بگوئیم ولو بعد از ذی الحجه مشروع است روزه بگیرد.

طائفه اولی روایاتی است که میگفت فلیصم ثلاثة ایام فی الحج وسبعة اذا رجع الی اهله، فان فاته ذلک ولم یکن له مقام بمکة صام فی الطریق او فی اهله، کسی که سه روز را قبل از ایام تشریق روزه نگیرد وبعد از ایام تشریق در مکه مقام نداشته باشد صام فی الطریق او فی اهله، گفته میشود این روایات مطلق است چه در ماه ذی ذی الحجه بخواهد این روزه را بگیرد وچه بعد از ماه ذی الحجه.

این طائفه اولی است واصل اشکال از اینجا شروع میشود که برخی فکر میکنند این طائفه اولی اطلاق دارد نسبت به بعد ماه ذی الحجه، با این که این طائفه اولی هیچ ظهوری در اطلاق زمانی ندارد، فقط توسعه مکانیه میدهد، نه توسعه زمانیه، فقط ناظر به این است که شرط مکانی صوم ثلاثة ایام که مکه بود الغاء میشود لمن لم یکن له مقام بمکة، یصوم فی الطریق او اذا رجع الی اهله، اما سائر شرائط صوم از جمله شرط زمانی که ثلاثة ایام فی الحج ای فی ذی الحجه که در روایات تفسیر کرد، آنها ملغی نمیشود، لذا اساس بحث متزلزل میشود، ما هیچ دلیلی بر توسعه زمانی نداریم، ماه ذی حجه که تمام شد صوم ثلاثة ایام فی الحج ساقط میشود ولکن حج باطل نیست، یتعین الهدی فی السنة القادمة، ان‌شاءالله ادامه بحث فردا.

1. ماتن این درس: آقای سید حسن روحبخش. [↑](#footnote-ref-1)